



130

Vol. 34
Spring 2025
P.P: 11-35

Research Paper

Received:
2024-01-03
Revised:
2024-04-30
Accepted:
2025-06-19
Published:
2025-08-17

ISSN: 1025-5087
E-ISSN: 2654-4971



Defense Policy

Evaluation of the theory of deterrence in international relations with a jurisprudential approach (case study of verse 60 of Surah Anfal)

MohammadSadgh Asim¹ | Mohammad Ghasemi²

Abstract

Deterrence means restraining the opponent by benefiting from military tools, one of the main strategies of confronting the enemy and creating security, which grew after the Second World War with the focus of atomic weapons. Due to its high destructive power, atomic weapons were considered the most important tool to prevent a country from attacking; But in the end, the theory of deterrence could not achieve all its goals with nuclear weapons. to explain the theory of deterrence from an Islamic point of view, this article has explored verse 60 of Surah Anfal with a jurisprudential approach. The main question of this research is: What is the evaluation of deterrence theory in international relations with jurisprudential approach in verse 60 of Surah Anfal? The research method in the current research is from the perspective of the fundamental goal, from the perspective of descriptive-analytical nature and from the perspective of processing qualitative information and the method of collecting study-library information. The results of the research show that verse 60 of Surah Anfal is not compatible with the theory of deterrence in its foundations, purpose and scope. Confronting the enemy and empowering the righteous front are two central principles in the all-round preparation against the enemy in the mentioned verse. Relying on the logic of scaring the enemy can achieve more goals in deterrence.

Keywords: Verse 60 of Anfal, deterrence, international relations, preparedness, nuclear weapons

1. Imam Sadegh Research Institute Baqir Al-Ulum University Imam Khomeini Educational Research Institute, Qom, Iran. Email: asim111@chmail.ir
2. Imam Khomeini Institute Qom Seminary Imamate Fiqh, Qom, Iran. Email: m.ghasemi@whc.ir

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





۱۳۰

سال سی و چهارم

بهار ۱۴۰۴

صص: ۳۵-۱۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶

شاپا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷
الکترونیکی: ۳۶۵۴-۴۹۷۱

«سیاست دفاعی»

ارزیابی نظریه بازدارندگی در روابط بین‌الملل با رویکرد
فقهی (مطالعه موردی آیه ۶۰ سوره انفال)محمدصادق آسیم^۱ | محمد قاسمی^۲

چکیده

بازدارندگی به معنای مهار حریف با بهره‌مندی از ابزار نظامی از اصلی‌ترین راهبردهای مقابله با دشمن و ایجاد امنیت است که بعد از جنگ جهانی دوم با محوریت سلاح‌های اتمی رشد نمود. سلاح اتمی با توجه به قدرت تخریب‌گری بالا مهم‌ترین ابزار برای جلوگیری از حمله یک کشور به شمار می‌رفت؛ ولی در نهایت نظریه بازدارندگی نتوانست تمامی اهداف خود را با سلاح اتمی محقق نماید. نوشتار حاضر به هدف تبیین نظریه بازدارندگی از منظر اسلامی، آیه ۶۰ سوره انفال را با رویکرد فقهی مورد کاوش قرار داده است. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: ارزیابی نظریه بازدارندگی در روابط بین‌الملل با رویکرد فقهی در آیه ۶۰ سوره انفال چیست؟ روش پژوهش در تحقیق حاضر از منظر هدف بنیادی، از منظر ماهیت توصیفی-تحلیلی و از منظر پردازش اطلاعات کیفی و روش گردآوری اطلاعات مطالعاتی-کتابخانه‌ای است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد آیه ۶۰ سوره انفال از جهت مبانی، غایت و گستره با نظریه بازدارندگی سازگاری ندارد. مقابله با دشمن و توانمندسازی جبهه حق، دو اصل محوری در آمادگی همه‌جانبه با دشمن در آیه مذکور است. تکیه بر منطق ترساندن دشمن، توانسته است اهداف بیشتری در بازدارندگی محقق نماید.

کلیدواژه‌ها: آیه ۶۰ انفال، بازدارندگی، روابط بین‌الملل، آمادگی، سلاح هسته‌ای.

۱. دانشجوی دکتری، پژوهشگاه امام صادق(ع) دانشگاه باقرالعلوم(ع) موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ایران.

Email: rokni44@yahoo.com

Email: m.ghasemi@whc.ir

۲. دکتری، موسسه امام خمینی حوزه علمیه قم مرکز فقهی ائمه اطهار، قم، ایران.



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

بازدارندگی نظریه‌ای مشهور در امنیت بین‌الملل است که با خوانشی جدید بعد از جنگ جهانی دوم با محوریت سلاح نظامی و به طور خاص بمب اتم به دنبال تحقق امنیت حداکثری و پیشگیری از جنگ با استراتژی افزایش هزینه جنگ برای طرف مقابل بود. این نظریه در صحنه عمل نتوانست مقصود خود یعنی امنیت حداکثری در کشورهای دارای سلاح اتمی را محقق نماید و درگیری در این کشورها افزوده شد و ناامنی بیشتری به وجود آمد. واکاوی مسئله بازدارندگی از منظر اسلام، مقتضی بررسی آیات و روایات مربوط به بازدارندگی است که پیگیری این مسئله، در آیه ۶۰ سوره انفال بارزترین آن‌هاست. دستور خداوند به تقویت قوای نظامی در مقابل دشمن و افزایش میزان توانایی و ترساندن دشمنان به اصول مهمی از بازدارندگی اشاره می‌کند که نوشتار حاضر به هدف کاوش بازدارندگی در اسلام با رویکرد فقهی به بررسی ابعاد این مسئله در آیه مذکور می‌پردازد.

ضرورت این تحقیق از دو حیث قابل گفتگو است: اول آنکه نظریه‌های روابط بین‌الملل با برخورداری از پیشینه‌های معرفت‌شناسی نسبیست‌گرا، انسان‌شناسی مادی‌گرا و جهان‌شناسی الحادی مانع از اعتبار و استفاده آن‌ها در رفتار اسلامی می‌شود؛ در نتیجه تبیین نظریه کارآمد در عرصه بین‌الملل که مستظهر به مبانی فلسفه اسلامی و مستند به منابع اسلامی باشد، لازم است. جهت دوم ابهامات و سؤالانی است که پیرامون مسئله بازدارندگی و سلاح هسته‌ای به وجود می‌آید: نسبت آیه با نظریه بازدارندگی چیست؟ آیا مدلول مطابقی آیه فراتر از بازدارندگی نظامی است؟ با توجه به ممنوعیت اسلام در استفاده از سلاح‌هایی که سبب از بین رفتن نسل و طبیعت می‌شود، چگونه می‌توان بیشترین بازدارندگی را بدون سلاح هسته‌ای به صورت کارآمد در عرصه بین‌المللی برای دولت اسلامی به ارمغان آورد؟

فرضیه این تحقیق مبتنی بر آموزه‌های وحیانی به گسترگی بازدارندگی در اسلام و توسعه موضوع امنیت از بخش سخت به امنیت نرم استوار است. نتیجه این گسترش به افزایش کارآمدی بازدارندگی منجر می‌شود؛ یعنی در صورت تعمیم بازدارندگی از بخش نظامی به سایر حوزه‌ها می‌توان اسباب ارباب دشمن با سایر ابزار غیرنظامی را مهیا نمود و مؤلفه‌های عدیدی از این جهت

قابل بررسی هستند. سامان این پژوهش در سه بخش تبیین نظریه بازدارندگی در روابط بین‌الملل در قالب مبانی نظری، تبیین آیه ۶۰ سوره انفال در منابع اسلامی و سنجش آیه با نظریه بازدارندگی در قالب یافته‌های تحقیق استوار است.

مبانی نظری (چارچوب مفهومی تحقیق)

۱- معنی‌شناسی نظریه بازدارندگی

بازدارندگی از لغت بازدارنده و به معنی «آنکه یا آنچه کسی را از امری باز می‌دارد» معنی شده است (عمید، ۱۳۸۹: ۴۴۶)؛ این واژه در زبان فارسی معادل مانع، جلوگیری، عایق و طردکننده و در زبان عربی معادل رادع، حاجب، ناهی، حائل، عاکف و زاجر است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳: ۱۴۰۴). واژه deterrence در فرهنگستان زبان و ادب به بازدارندگی و مهار نظامی دشمن با سلاح‌های کشتار جمعی به‌طوری که حریف جرئت حمله به کشور مقابل را نداشته باشد، معنی شده است (سامانه برخط واژه‌یاز، جستجو: deterrence).

ریشه بازدارندگی اگرچه در غریزه و طبیعت در جلوگیری از تهدیدها وجود دارد؛ ولی اصطلاح بازدارندگی در صورت‌بندی نظری آن بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد و در روابط بین‌الملل به «مانع‌شدن یا جلوگیری کردن یا مهار کردن، از طریق ایجاد ترس، به وحشت انداختن از هر چیزی، مهار کردن یا ممانعت کردن از دست‌به‌کار شدن یا اقدام کردن با استفاده از هر گونه عامل خطر یا رنج» تعریف می‌شود (فریدمن، ۱۳۸۹: ۱۵). برخی بازدارندگی را به «تلاش‌های حساب شده برای بهره‌برداری از رفتار دیگران از طریق تهدیدات مشروط» معنی نموده‌اند؛ ولی عام‌ترین معنایی که در نظریات روابط بین‌المللی می‌توان برای بازدارندگی یافت «متقاعد کردن حریف نسبت به ازدیاد هزینه و یا خطرات خط‌مشی احتمالی نسبت به منافع» است (دویچ، ۱۳۷۵، ۲: ۲۳۲). اگرچه این معنی موسع را می‌توان در رفتار بازیگران قدرتمند بین‌المللی نیز یافت؛ ولی سلاح هسته‌ای معنا و ماهیت ویرانگری شدیدتری را در انتقام‌گیری ایجاد نمود که در نتیجه سیاستمداران را وادار به سنجش عقلانی بیشتری در توجه به هزینه و بهره در رفتار آنان می‌کرد که برآیند آن محدودیت اقدامات و جلوگیری از بروز رفتار منتهی به جنگ می‌شد.

نظریه بازدارندگی در مکتب رئالیسم با موضوع امنیت حول محور جنگ و عوامل بازدارنده از جنگ مطرح شده است. این نظریه در طول زمان رشد کرده و به صورت ناگهانی مطرح نشده است. توان قدرت همان ادبیات قدیم نظریه بازدارندگی است که به عدم بنیاد ثابت برای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی منجر می‌شد و به جهت غیر اطمینان‌بخش بودنش دارای معیار سنجش معتبری در عرصه واقع‌گرایی نبود و همچنان بین دولتمردان از جهت توصیه و توصیف بودن آن مورد اختلاف است؛ برخی آن را نشانگر وضعیت عینی و برتر و برخی سیاست مستلزم تلاش می‌دانند (دویچ، ۱۳۷۵: ۲۴۵).

۲- نظریه پردازان و شاخص‌های نظریه بازدارندگی

واژه بازدارندگی در مطالعات استراتژیک اولین بار در دهه ۱۹۳۰ از سوی وزیر دفاع انگلستان در مقابله با نیروی هوایی ظهور نمود و بعدها در قالب اندیشه‌های فرضیه‌ای آمریکایی با مصداقیت بمب هسته‌ای در مقابل آلمان مورد گفتگو قرار گرفت. اولین و مهم‌ترین نظریه‌پرداز این نظریه بعد از دوران جنگ جهانی دوم برنارد برودی (۱۹۰۷ - ۱۹۸۹) است. او به عنوان یک استراتژیست نیروی دریایی در کتاب سلاح نابرابر بیان نمود که تا امروز هدف ما پیروزی در جنگ‌ها بوده؛ ولی از حالا هدف اصلی پرهیز از جنگ‌ها است (فریدمن، ۱۳۹۸: ۴۰). سیاستمداران می‌دانستند که نباید وارد جنگی شوند که اگر شکست بخورند دیگر جبران ندارد و آخرین مبارزه آنهاست در نتیجه ابرقدرت‌ها و متحدانشان متقاعد شدند که جنگ جهانی سوم رخ ندهد. این استراتژی نامتقارن که اولین ریشه‌های آن را در روابط واشنگتن-مسکو در دوره جنگ سرد با جنگ‌افزارهای هسته‌ای به علت قدرت تخریب بالا بمب اتم شروع شد، سبب جلوگیری از حمله نظامی یک کشور قدرتمند و بعداً در بسیاری از کشورها در قالب تضاد منافع و استفاده از مجموع تهدایات قانع‌کننده برای جلوگیری از یک عمل نامطلوب ظهور نمود. کیسینجر معتقد است که عصر هسته‌ای استراتژی را به بازدارندگی و بازدارندگی را به یک فعالیت فکری اسرارآمیز و پیچیده مبدل ساخته است (فریدمن، ۱۳۸۹: ۶۰).

مهم‌ترین شرایط تحقق بازدارندگی وجود حداقل عقلانیت در فکر و رفتار رقیب است که با بررسی هزینه‌ها و فرصت‌ها، به این نتیجه برسد که تهدید به اندازه کافی جدی و مؤثر هستند که

برای حفظ منافع یا بقای خود، رفتار مخاطره‌انگیزی نداشته باشد، بنابراین طرف مقابل باید تعهد به حفظ موجودیت خود داشته باشد. والتر میلیس (-۱۸۹۹ ۱۹۶۸) تلاش می‌کند که عقلانیت موجود در نظریه بازدارندگی را به صورتی بیان نماید که عقب نشینی طرف مقابل منجر به اقدام خطرناکی نشود (مشیرزاده، ۱۳۸۰: ۹۲). با وجود تمام ابهام‌هایی که در نظریه بازدارندگی وجود دارد، مهم آن است که بازدارندگی در مقام عمل بهتر از مقام نظر توانست ظهور و بروز کند، بنابراین توانست اقناع عمومی در سازمان‌های بین‌المللی را در جهت توسعه سلاح‌های نظامی و کشتار جمعی ایجاد نماید.

قابلیت اقدام، باورپذیری و ممانعت از تهاجم شاخص‌های اصلی بازدارندگی هستند. توان بازدارندگی زمانی اثربخش خواهد بود که سری و محرمانه نباشد علاوه بر اینکه مهاجم، توانمندی‌ها و اعتبار لازم را فهمیده باشد؛ از این رو دائماً باید اطلاعات مورد تبادل قرار بگیرد که آگاهی جهت بازدارندگی افزایش یابد. قدرت و توانایی بر ساخت هزینه سنگین برای حریف، زمانی بازدارندگی است که بتواند طرف مقابل را متقاعد سازد که در صورت نیاز عامل بازدارنده علیه او بکار گرفته خواهد شد و قابلیت جبرانی وجود نخواهد داشت یا بسیار سنگین است این مسئله به قدری مهم است که کیسینجر اساس بازدارندگی را با ملاک‌های روانی حریف و تصورات او گره زده است (مشیرزاده، ۱۳۸۰: ۵۳) تحقق بازدارندگی منوط به قدرت و توانایی جلوگیری و ممانعت از تهاجم و حمله است، بنابراین اگر طرف مقابل با حمله‌های متعدد توانست پاسخگویی مناسبی داشته باشد بازدارندگی محقق نخواهد شد البته با برخورداری از سلاح هسته‌ای این گونه به حریف پیام انتقال پیدا می‌کند که حتی در صورت حمله غافلگیرانه همچنان از تهدید انتقام به صورتی که قابل جبران نباشد ایمن نخواهد بود، سرانجام می‌توان شاخص اول را به عنوان شاخص عینی که در بردارنده تکنولوژی نوین بازدارنده و شاخص دوم را به عنوان عنصر ذهنی که آمادی پذیرش بازدارندگی در محیط روانی است، در نظر گرفت.

۳- ابزارها و سازوکار بازدارندگی

اگرچه بازدارندگی به معنای استفاده از نیروهای مسلح نیست و نباید آن را به عنوان یک راهبرد برای جنگیدن به حساب آورد؛ بلکه نوعی راهبرد برای حفظ وضع موجود و جلوگیری از جنگ

است (قلجی، ۱۳۸۵: ۱۰) ولی به‌ناچار باید از ابزار نظامی همانند نیروی نظامی و توان نظامی و تسلیحات اتمی و کشتار جمعی استفاده نمود، این ابزار از چند طریق قابلیت اجرایی شدن را دارد که هر کدام بتواند اقناع بیشتری برای حریف ایجاد نماید، دارای کارآمدی بیشتری است:

۳,۱. اعمال راهبرد مستقیم

ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین نوع اعمال بازدارندگی از طریق راهبرد مستقیم و ایجاد فضایی برای انتقال پیام بازدارندگی به طرف مقابل است که در صورت حمله انتقام گسترده حتمی است و تخریب زیرساخت‌ها اولویت در اولویت است.

۳,۲. اعمال راهبرد دولت میزبان

گاهی بازدارندگی برای گروه خاصی در یک کشور است در اینجا بازدارندگی از طریق دولت میزبان پیگیری می‌شود، مثلاً دولت آلمان با شکل‌گیری سیاست‌های تسلیحاتی امریکا فعالیت‌های حزب سوسیالیستی خود را محدود نماید.

۳,۳. اعمال راهبرد جامعه بین‌الملل

دولت‌ها همیشه از درگیری با تحریم‌های بین‌المللی نگران بوده‌اند و کنش‌های خود را مطابق با سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای تأثیرگذار بر این سازمان همسو نموده‌اند به‌طوری‌که اقدامات خود را در صحنه بین‌الملل دارای توجیه افکار عمومی نموده‌اند که از هر گونه گزند در عرصه جهانی مصون بمانند.

۳,۴. اعمال راهبرد از طریق مردم میزبان

مردم یک کشور دموکراتیک از طریق بیان نظر، حمایت و حضور در سیاست‌های دولتی می‌توانند تأثیرگذار بر عملکردهای سیاسی باشند، دولت بازدارنده با چهره حمایت‌های مردم یا ترس عمومی می‌تواند راهبرد بازدارندگی را با انقطاع یا مخالفت عمومی و فشار مردمی از سیاست‌های تقابلی - تهاجمی دولت میزبان فراهم نماید، گاهی این مسئله از طریق یک گروه یا حزب داخلی نیز پیگیری می‌شود به‌طوری‌که اقدامات دولت بازدارنده به‌گونه‌ای است که سبب

تهدید منافع خاص یک گروه می‌شود و در نتیجه این گروه خاص دولت میزبان را وادار به سیاست‌های همسو با دولت بازدارنده فرامی‌خوانند.

۳.۵. اعمال راهبرد از طریق کشورهای پشتیبان

در نظر گرفتن سیاست‌های مشترک بین دولتی توانسته است دولت‌ها را به این همکاری برساند که نباید اقدامات سیاست خارجی به گونه‌ای باشد که سبب مخاطره در روابط با کشورهای طرفدار و هوادار شود؛ از این رو اگر دولت بازدارنده (A) بتواند دولت پشتیبان (B) را به این سطح از اقتناع برساند که اقدامات دولت مرتبط (C) می‌تواند سبب تهدید علیه کشور او (B) شود، توانسته از این طریق بازدارندگی را برای خود (A) به ارمغان آورد. این قسم شامل جنبش‌ها و گروه‌های مخالف (c) یک دولت (A) در دولت دیگر (B) نیز می‌شود.

۴- افول بازدارندگی

نظریه بازدارندگی اولین موج خود پس از فناوری هسته‌ای (۱۹۴۵-۱۹۴۹) و با پرنارد برودی آغاز نمود و رقابت تسلیحاتی وارد موج دوم شد (۱۹۷۰-۱۹۴۹) و در کوتاه مدتی متوجه شدند برای حفظ سطح قدرت باید دستیابی به این فناوری را محدود کنند (قرارداد سالت ۱۹۷۲) که به موج سوم و بازدارندگی متقابل معروف شد (۱۹۹۰-۱۹۷۰). مرحله چهارم بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی معطوف به امنیت جامع سیاسی اقتصادی نظامی شد (۱۹۹۰-۲۰۰۲)، دستیابی دیگر کشورها به تسلیحات هسته‌ای و حوادث ۱۱ سپتامبر و شروع جنگ‌های نامتقارن استراتژی بازدارندگی را مخدوش نمود. در حال حاضر در موج پنجم (۲۰۲۰) با ورود فناوری‌های نوین غیرهسته‌ای از قبیل هوش مصنوعی و قابلیت فراصوتی نظریه بازدارندگی در حال تغییر به دیگر نظریات (نظریه پیشگیرانه) یا استراتژیک غیرنظامی است (عباسی، ۱۵: ۱۴۰۰)، در واقع بازدارندگی در قرن ۲۱ موج افول خود شروع نموده است به این معنی که دیگر به عنوان یگانه عامل در رفع تهدید از طرف مقابل نیست؛ این مسئله از چند بعد قابل توضیح است:

۴،۱. پیچیدگی‌های جدید نظام بین‌الملل که معلول تغییر موازنه قوا، از حالت دوقطبی به چندقطبی است، ایده و مسائل بازدارنده را دستخوش دگرگونی و ابهام قرار داده است و سبب بلا تکلیفی ساختاری در تهدیدات، مسئولیت ویژه جهت اقدامات خصمانه و ناهماهنگی منافع، شده است (عزین آبادی ۱۳۹۷: ۱۹۵)؛ این در حالی است که بازدارندگی در زمان صراحت و وضوح می‌تواند کارا باشد. از جمله این پیچیدگی‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۴،۱،۱. رویدادهای کم‌اهمیتی که پیش‌بینی زمان آن‌ها مشکل است اما می‌توانند تغییرات بزرگی ایجاد کنند؛

۴،۱،۲. میزان تأثیر بازیگران چندگانه و ناهماهنگ بر تعاملات؛

۴،۱،۳. غیرقابل پیش‌بینی بودن فرایند تکامل و انطباق در نظام بین‌الملل.

۴،۲. تأثیرات مخرب حاصل از سلاح هسته‌ای بر منابع طبیعی و زیست‌محیطی عقلانیت کنترل این سلاح‌ها را افزایش داد و اجازه ساخت آن را محدود نموده است.

۴،۳. در شرایطی که فناوری سلاح هسته‌ای اختصاصی به ابرقدرت‌ها سابق و نظام دوقطبی ندارد بازدارندگی آن از میان رفته است.

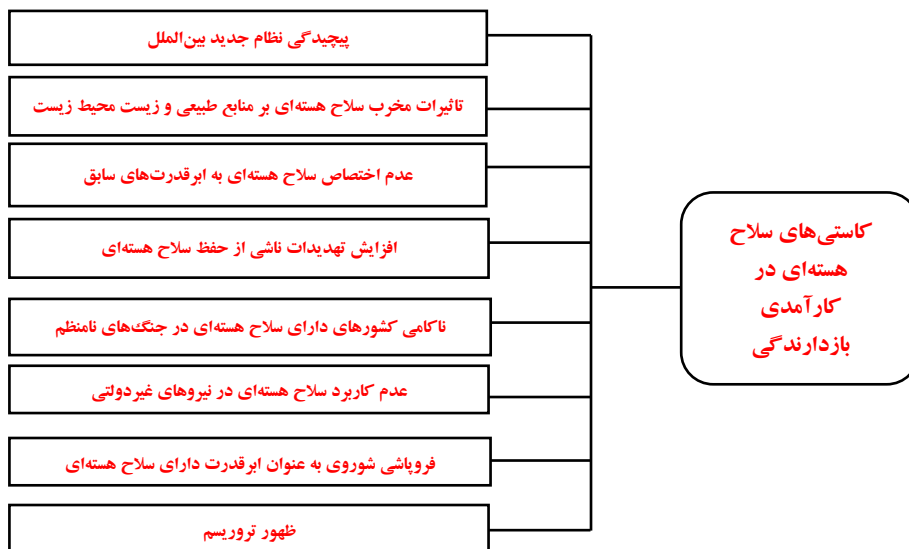
۴،۴. صیانت از تسلیحات هسته‌ای مسئله بسیار مهمی است که در صورت غفلت علاوه بر اینکه بازدارنده نیست، خود ترغیبی برای حمله پدید می‌آورد؛ زیرا دیگر دفاع و انتقامی توسط سلاح‌های محافظ نشده وجود نخواهد داشت (دویچ، ۲۰۱۳: ۲۵۲).

۴،۵. بازدارندگی زمانی می‌تواند به بهترین شکل خود عمل نماید که مخاطب به صورت برنامه‌ریزی شده عمل نماید و در چهارچوب هنجارهای رفتاری مشترک دارای برداشت متناسب با وضعیت مشخص باشد والا بازدارندگی دارای معنا نیست. اشتاینبرگ بیان می‌کند سیاست بازدارندگی در رویارویی با گروه‌های مختلف و جنگ‌های نامنظم موفقیت نداشته است (قلجی، ۱۳۸۸: ۶). هالستی معتقد است عدم توجه به ارزش‌های ایدئولوژیکی حریف و ابتناء بازدارندگی بر محاسبه هزینه فایده سبب نقصان این نظریه شده است (بوفر، ۱۳۶۶: ۶۷-۷۸). نمونه‌هایی از این سخن را می‌توان در عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از بیروت در سال ۱۹۸۳ پس از حمله حزب الله، عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از سومالی در ۱۹۹۳ و عقب‌نشینی شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۸ یافت، زیرا ارزشمندی ایدئولوژیکی نیروهای غیردولتی توانسته بود بر

تجهیزات بازدارنده غلبه نماید؛ همچنان که در نیروهای دولتی نیز این مسئله وجود دارد و از بهترین مصادیق اخیر آن می‌توان به عملیات تنبیهی وعده صادق که جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم جعلی صهیونیستی در تاریخ ۱۳ آوریل ۲۰۲۴ انجام داد، اشاره نمود.

۴,۶. قابلیت کاربرد توان بازدارنده در مورد نیروهای غیردولتی بسیار دشوار است؛ زیرا بدون توجه به برتری استراتژیک، نمی‌توان سلاح‌های نامتعارف را علیه جنبش‌ها و بازیگران غیردولتی بکار گرفت همچنان که ماهیت جنبش‌ها و گروه‌های غیردولتی مبنی بر عدم تعهد به حفظ قدرت چالش جدیدی برای بازدارندگی ایجاد نموده است. این مسئله زمانی که در روابط بین‌الملل هیچ نسخه پذیرفته شده‌ای برای محک‌زدن رفتار خلاف بین‌المللی وجود ندارد، الگوی نامنظم اجتماع بین‌المللی را تقویت می‌کند.

۴,۷. فروپاشی شوروی و ظهور تروریسم نشان داد که بازدارندگی دیگر موضوعیت ندارد و به جای آن پیش‌دستی پیشنهاد شد. بازدارندگی به ناامیدی دیگران از اقدام به شیوه‌های سودمند برای آنها منتهی می‌شود؛ ولی استراتژی الزام، دیگران را وادار به اقدام در جهت منافع خود می‌کند.



شکل ۱. افول نظریه بازدارندگی

این گونه نیست که بازدارندگی در عصر حاضر دارای مدافعینی از سوی اندیشمندانی همانند ریچارد بتس و لورنس فریدمن نباشد؛ ولی کارآمدی آن عصر کنونی همانند سابق نیست و به دنبال الگوی کارآمدتر از این نظریه یا نظریه جدید دیگری است؛ بنابراین مخالفان جدی همچون اسکات سیگن، استیون لی، آیک ژان پیدا نموده است (لیمونی ۱۳۹۴: ۶۴)، کاهش کاربرد بازدارندگی برخی را به پویایی در این اندیشه و تقسیم بازدارندگی به بازدارندگی خطی و غیر خطی وادار نموده است (قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۱۵) در بازدارندگی خطی تأکید بر سیستم‌های ساده و کنترل گرا کلاسیک است که با آگاهی‌سازی حریف هزینه‌های گرانباری کنش را یادآور می‌شود و بازدارندگی غیرخطی با تأکید بر جوانب پیچیده عرصه بین‌الملل بازدارندگی نوین را بر اساس شبکه و راهبردهای تدافعی - تهاجمی بر محوریت پیوندسازی شبکه‌ای و شکست آبخاری ترسیم می‌کند، این مسئله به ادبیاتی دیگر به بازدارندگی نرم نیز بیان شده است (مبلغ، ۱۳۹۸: ۵۸) در این نگرش توسل به اموری همچون روش‌های دیپلماسی، گسترش حقوق بین‌الملل، ایجاد موانع اخلاقی، آموزش و کنترل نیروی مسلح، تقویت همکاری‌ها در قالب سازمان‌های جهانی تجارت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

سابقه تحقیقی در کاوش‌های نگارنده برای مسئله یافت نشد، بلکه آنچه مرزهای موجود دانش در این عرصه عبارت از پردازش نظری و عملی به نظریه بازدارندگی و آسیب‌شناسی و بازتولید نسخه جدید آن بودند، همچنان که در اندیشمندان اسلامی نیز به امنیت جهانی به عنوان یک مسئله در متون و منابع اسلام توجه شده است و سنجی در این دو مسئله صورت نگرفته است؛ اما آثار زیر برای دانش پژوهان این عرصه مفید به نظر می‌رسد.

جدول ۱. پیشینه‌شناسی پژوهش

ردیف	عنوان	نام مؤلف	مکان چاپ و سال تحقیق	بررسی
۱	استراتژی بازدارندگی نرم در تأمین امنیت ملی از منظر فقه سیاسی و آموزه‌های اسلامی	محمد امین مبلغ	جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۸	این رساله دکتری با بررسی رهیافت‌های اسلامی در موضوع امنیت بازدارندگی را در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داده است و چهار مسئله نفی سبیل، ارتداد، مقابله با بدعت و ممنوعیت کتب ضلال را برشمرده است؛ ولی شاخص‌های بازدارندگی را با آیه ۶۰ سوره انفال مورد بررسی قرار نداده است.
۲	راهبرد آمادگی در برابر دشمن در خوانش آیه شصت سوره انفال	حمید نگارش، زهره جمالی زواره	علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۹۵	این مقاله اگرچه مرتبط‌ترین متن پژوهشی در سابقه این تحقیق است؛ ولی به اشکالات نظریه بازدارندگی و منطق و ابعاد مستخرج از آیه در موضوع بازدارندگی اشاره‌ای نکرده است و صرفاً به تفسیر صحیح آیه پرداخته است.
۳	چالش‌های ساختار امنیت بین‌الملل و راهکارهای فقه اسلامی	قاسم شبانینا، مهدی جهان	معرفت، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۹	این مقاله با بررسی چالش مهم دولت‌های سلطه‌گر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی به بیان برون‌رفت از این مشکل مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌پردازد و حفظ حریم و اتحاد در مقابل دشمن و احیای روحیه عزت و اقتدار ملت‌ها از مهم‌ترین مؤلفه‌ها بر می‌شمارد؛ ولی به بررسی خصوص آیه ۶۰ سوره انفال نمی‌پردازد.
۴	نگرشی تئوریک بر طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران	فرهاد قاسمی	ژئوپلیتیک، ۱۳۸۶	این مقاله با بررسی فرصت‌ها و چالش‌ها، توانایی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر پاسخگویی بر انواع تهدیدات را اساس فقه اسلامی مورد ارزیابی قرار داده است و نقش مهمی به بازدارندگی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌دهد، اما به بررسی آیه ۶۰ سوره انفال به‌عنوان یک راهبرد اسلامی نپرداخته است و پژوهش جنبه عملیاتی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر بر مبنای رویکرد فقهی دارای ماهیتی توصیفی-تحلیلی است، بدین معنی که با توصیف مفاهیم و اصول نظریه بازدارندگی و آیه ۶۰ سوره انفال به تحلیل و مقایسه این دو متغیر پرداخته می‌شود و اطلاعات جمع‌آوری شده بر اساس روشی کیفی مورد پردازش قرار می‌گیرند.

روش تفسیر قرآن در هیچ‌یک از روش‌های تحلیل مضمون و محتوا جای نمی‌گیرد؛ زیرا فهم جامع از کلام الهی در بستر فهم جامع از تمامی موارد مرتبط با آیه حاصل می‌شود که در اختیار غیرمعصومین نیست در نتیجه ادعای فهم بهینه از مجموع ارتباط‌های دانش ادبی، فلسفی، کلامی و... برای راهیابی به معنای متیقن، ادعایی صحیح است و پژوهش حاضر مبتنی بر این روش نگاشته شده است.

هدف این تحقیق رویکردی بنیادی است و به دنبال گسترش دانش پیرامون نظریه اسلام در حوزه مسائل امنیتی دولت اسلامی است؛ اما نتایج حاصل از این تحقیق، علاوه بر ابعاد نظری دارای تأثیر در سیاست‌های کلان امنیتی-نظامی دولت اسلامی است. روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعاتی-کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است.

سؤالات پژوهش

- ۱- سؤال اصلی: ارتباط نظریه بازدارندگی در روابط بین‌الملل با منابع اسلامی در آیه ۶۰ سوره انفال چیست؟

یافته‌های پژوهش

۱. دلالت‌های آیه ۶۰ سوره انفال

۱.۱. متن و ترجمه آیه:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفَ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان- که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد- بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

۱,۲. واژگان مهم:

کلمه «اعداد» به معنای تهیه کردن چیزی است تا انسان با آن چیز به هدف دیگری که دارد برسد که اگر آن را تهیه نکرده بود به مطلوب خود نمی‌رسید، مانند فراهم آوردن هیزم و کبریت برای تهیه آتش؛ کلمه «قوة» به معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌گردد؛ کلمه «رباط» مبالغه در ربط و ربط همان گره غیر محکم است، «خیل» به معنای اسب و «رباط الخیل» به معنی اسب‌های بسته شده و آماده برای کارزار است؛ «ارهاب» معنایش نزدیک به معنای «تخویف» است (طباطبایی ۱۳۷۱، ۹: ۱۱۴؛ قمی، ۱۳۹۵: ۶۸؛ هوشیار ۱۳۷۰: ۳۴۰)

۱,۳. رویکرد مواجهه با دشمن

منطق مواجهه با دشمن بر اساس گفتگو خوش‌بینی و همکاری ممکن نیست، زیرا دشمن تمامی منافع و موجودیت حریف را نشانه گرفته است و اگر بتواند استیلا پیدا نماید حتماً این کار را انجام خواهد داد، این نوع مقابله و مواجهه با دشمن که بر اساس اقتدار و مقاومت است، دارای پاسخگویی مطلوب و بازدارنده است.

۱,۴. پیشگیری یا پیش‌دستی نامحدود

دستور به افزایش قدرت در برابر دشمنان در آیه شریفه، آمادگی نظامی در برابر دشمن را به ذهن می‌رساند که از سویی انگیزه دشمن برای حمله را ضعیف می‌کند و از سوی اقدام پیش‌دستانه در برابر تهدیدات دشمن تلقی شود پس با توجه به اهداف عالی اسلام این نوع آمادگی برای غارت، تخریب و استعمار نیست.

آمادگی نظامی از امور عقلانی و لازم برای هر جامعه است و تصریح این مسئله در قرآن برای دفع سابقه پیروزی معجزه‌آسا در جنگ بدر است، یعنی این گونه نیست که همیشه با علل غیبی پیروزی شما محقق شود؛ بلکه شما موظف به تجهیز خودتان هستید و باید با اعداد قوا در مقابل دشمن بایستید و این گونه شامل نصرت الهی خواهید شد (بهرام‌پور، ۱۳۷۸، ۲: ۲۳۳)

این نوع آمادگی و اعداد مشروط به تهدیدات دشمن و ظرفیت‌ها و قدرت دشمن نیست؛ بلکه نوع نگاه به توان حداکثری درونی منعطف شده است؛ بنابراین باید در تلاش برای ظهور رساند و

استفاده همه ظرفیت‌ها صورت بگیرد؛ بنابراین در آیه بر دشمنانی که مورد آگاهی نیست نیز تصریح شده است در نتیجه اکتفا در این عرصه موجب خسران خواهد شد. از این منظر آمادگی دارای محدودیت و توقیفی نیست و تا زمانی که دشمن وجود دارد آمادگی و تدارک وجود خواهد داشت.

فاضل مقداد در تفسیر «دشمنانی که شناخته شده نیستند» وجوه مختلفی از قبیل بنی قریظه، مردم فارس، منافقان، باغیان و اجنه کافر را بیان نموده است (حلی، ۱۳۷۳، ۱: ۴۵۹) ولی منطق آیه بیان می‌کند که مهم نیست شما دشمنانتان را می‌شناسید یا خیر؟ در قوت شما ترس کسانی که دشمنی با شما را پنهان نموده‌اند سبب خواهد شد اقدامی علیه شما انجام ندهند، و قوت شما باید به صورتی باشد که فقط در مقابل دشمن خاص نباشد؛ بلکه سبب ترس هرگونه اقدام علیه شما بشود.

۱.۵. نیروی انسانی و همگانی بودن آمادگی

بخش مهمی از قدرت و توان در برابر آیه معطوف به نیروی انسانی است، مسئله آمادگی و تدارک فقط مختص یک دسته و بخشی از مسلمانان نیست؛ بلکه تکلیف به صورت عمومی و متوجه همگان است، بنابراین همه جامعه اسلامی باید سطح قابل قبولی از توانمندی مقابله با دشمن را آموزش دیده باشند. حکومت اسلامی اگرچه موظف است نیروهای زبده و حرفه‌ای برای مقابله با دشمن داشته باشد؛ ولی خود مسئله بسیج عمومی یکی از آمادگی‌های مهم هر جامعه برای مقابله با دشمن و ایجاد واکنش برای دشمن می‌شود، این مهم علاوه بر اینکه مورد تأکید امام خمینی در تشکیل بسیج بیست‌میلیونی بوده است در آثار مفسرین نیز مورد توجه قرار گرفته است (قرائتی ج ۳، ص ۳۴۵). تغییر خطابی که در آیات قبل نسبت به پیامبر بوده و در آیه ۶۰ نسبت به همه مسلمانان است، رهنمود آشکاری بر همگانی بودن آمادگی در برابر دشمن دارد (تقی‌زاده، ۱۳۸۷، ۱: ۳۶۰).

علامه طباطبایی از همگانی بودن حکومت اسلامی استفاده می‌کنند و می‌فرمایند از آنجا که حکومت اسلامی حکومتی انسانی است و حقوق همه افراد انسان‌ها را رعایت نموده و اختصاصی به یک عده ولو اکثریت ندارد در نتیجه همه باید برای دفع دشمن بسیج شوند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ۹:

(۱۱۵)

گاهی خود جمعیت به عنوان عامل قدرت و قوت مورد سنجش قرار می گیرند که از مولفه های اصلی آن کثرت و جوانی جمعیت است. نیروی انسانی علاوه بر اینکه باید دارای آمادگی نظامی، آگاهی های علمی، صلاحیت های اجتماعی، بهداشت روانی و جسمانی باشد، باید جوان و به عنوان نیروی اصلی مورد پردازش قرار بگیرد و الا کارآمدی مقوله «قوه» همچنان دارای سستی خواهد بود.

۱.۶. اطلاق قدرت و قوه

آیا منظور از قدرت در آیه قدرت در امور نظامی است یا مطلق قدرت را در برمی گیرد؟ در این مسئله دو نظریه وجود دارد که نگارنده با توجه به شواهد و قرائن لفظی و مقامی، نظریه دومی را صحیح می داند و مبتنی بر نظریه دوم بازدارندگی جامع استوار است؛ زیرا آمادگی در تمام زمینه های مادی و معنوی، ترس دشمن را فراهم می کند و راه های نفوذ و سلطه را از بین می برد.

۱.۶.۱. قدرت نظامی

حمله نظامی و جنگ از ابزارهای متداول دشمنان برای گسترش نفوذ سلطه و از بین بردن رقبای خود است و هر کسی بخواهد مقابل دشمن ایستادگی نماید باید برای حفظ استقلال و هویت خویش به بهترین شکل از خود دفاع نماید، در اسلام دستور به تهیه نیرو و سلاح و اسب در جهت بالابردن توان نظامی داده شده است. شأن نزول آیه نیز مویید این معنی است؛ زیرا هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از تحمل سال ها سختی به دستور الهی از مکه به مدینه هجرت نمودند، دشمنان زیادی در مقابل او قد علم کردند. غزوه های متعدد رسول خدا صلی الله علیه و آله از قبیل بدر، احد، خندق، بنی قریظه، بنی المصطلق و خیبر آن هم در کمتر از هشت سال متوالی حکایت از جدال سخت دشمنان با مسلمانان دارد. آیه مذکور که در سوره انفال قرار دارد در مدینه و به فرموده محققان بعد از جنگ بدر نازل شده است؛ دورانی که از هجرت پیامبر (ص) تنها دو سال می گذرد، آن هم در شرایطی که پیامبر (ص) و مهاجران تنها توانسته بودند خودشان را به مدینه برسانند و تمام سرمایه و اموال آنان در مکه باقی مانده بود و در حال تدارک مسکن و معاش مجدد بودند، آیه نازل می شود که کافرانی که در پیمان هایشان نقض عهد می کنند، هلاکشان کن و هر نیرویی در قدرت دارید و اسبانتان را برای مقابله با دشمنان، آماده کنید. بنابراین با توجه به آیات قبل و فضای جنگ منظور از

«قوه» توان نظامی است. روایات تفسیری در ذیل آیه نیز به منظور تبیین دقیق قدرت به مثال‌هایی همانند تیر و شمشیر و مطلق سلاح بهره جسته‌اند (حویزی، ۱۳۸۳، ۲: ۱۶۴).

۱,۶,۲. مطلق قدرت

همان‌گونه که شأن نزول، نمی‌تواند مخصص حکم باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱: ۴۳)، الفاظ آیه دارای عمومیتی در حکم هستند و شامل هر دشمن و هر گونه قدرتی می‌شود. ادعای انصراف در این آیه به امور نظامی نمی‌تواند سبب تقیید شود؛ زیرا انسباقی سبب انصراف لفظ و تغییر معنی یا تغییر مراد می‌شود که برخاسته از زمان و مکان خاص نباشد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۴۹) درحالی‌که مصادیق ذکر شده در آیه به مقتضای زمان و مکان به امور نظامی سوق پیدا می‌کنند بنابراین منظور از «قوه» قدرت و توانمندی است که باید در مقابل دشمن بکار بسته شود در نتیجه انحصاری به یک مورد ندارد و می‌تواند در عرصه نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و هر امری که سبب اعتلای جامعه اسلامی می‌شود، استفاده نمود (شهید صدر، ۱۳۷۴: ۶۳۱). شواهد دیگری نیز بر عمومیت معنی «قوه» در آیه قابل ذکر است:

۱,۶,۲,۱. برخی روایات، «قوه» را بر قدرت اظهار جوان‌گرایی در برابر دشمن نیز تطبیق داده‌اند (حویزی، ۱۳۸۳، ۲: ۱۶۵).

۱,۶,۲,۲. در سیره نبوی برای مقابله با تهاجم فکری از قوه عقلی استفاده می‌شد و در مواجهه با سخن «انا لنا عزی و لا عزی لکم» از سوی دشمن، شعار «الله مولکم و لا مولی لکم» استفاده می‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۷: ۲۲۴).

۱,۶,۲,۳. امام صادق علیه السلام در تبیین آیه «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» (اعراف: ۱۷۱) بیان نموده‌اند «قوه» شامل «قوه القلوب» یعنی فکر و ایمان خوب و «قوه الابدان» یعنی بازوهای توانا می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۵: ۱۰۰).

۱,۷. تکیه بر منطق ترس دشمن

منطق ترس پاسخ به سؤال از به کارگیری تمام قوا در زمانی که دشمنی در صحنه رزم موجود نیست، می‌باشد، به این معنی که توجیه بکارگیری عده و عده در زمانی که هنوز جنگی محقق نشده است، غلبه روانی با سوگیری ارهاب و ترس طرف مقابل است (حلی، ۱۳۷۳، ۱: ۴۵۹)،

ترسیدن دشمن عامل اصلی در خودداری از اقدام به حمله و تجاوز است، البته این ترس به مثابه ترس از حمله و شورش علیه ایشان نیست؛ بلکه ترس از مقاومت است؛ یعنی دشمن می ترسد که با حمله نتواند به اهداف خود برسد و منافع خود را به خطر انداخته است، بنابراین قدرت مسلمانان مانع از حمله دشمن می شود.

در شرع اسلام داشتن و استفاده برخی سلاح ها همانند سلاح اتمی و رفتارها همانند قطعه قطعه کردن افراد (مثله) مشروع نیست. سلاح اتمی سبب از بین رفتن نسل بشری و انسان هایی که در جبهه جنگ نیستند، می شود و ظلم و تجاوز را به همراه دارد و قرآن اسراف در قتل، ظلم و تعدی جنگی را ممنوع نموده است (اسرا: ۳۳، مائده: ۸، بقره: ۱۹۰)؛ این ممنوعیت شامل شرایط اضطراری نیز می شود (علیدوست، ۱۳۹۸: ۱۲۲). البته این ممنوعیت، منافاتی با منطقی ترساندن دشمن ندارد؛ زیرا اقناع و باورپذیر بودن مهم ترین شرط بازدارندگی است و توانمندی اعتقادی و حمله فکری، دارای ترس بیشتری و خسارت سنگین تری است، و خود نترسیدن بزرگ ترین هراس را در دشمن ایجاد می کند؛ علاوه بر آنکه برخورداری از سایر تکنولوژی های تسلیحاتی می تواند کاراتر از سلاح هسته ای عمل نماید و بازدارندگی نظامی را فراهم کند.

۱.۸. فناوری ابزاری

در زمان صدر اسلام اسب به عنوان ابزاری پیشرفته و کارآمد در جنگ محسوب می شد؛ ولی امروزه به عنوان توان نظامی دارای اهمیت چندانی نیست. ابزار قدرت علاوه بر اینکه باید به روز باشد باید از تنوع و عدم مقابله به مثل بودن نیز برخوردار باشد فقها مسئله نوع ابزار را به مقتضیات زمانه و تدبیر فرماندهان مولکول نموده اند و بیان کرده اند که اصل ثابتی در این زمینه وجود ندارد (سبحانی، ۱۳۷۲: ۲۰۳) و در هر آنچه سبب تفوق بر دشمن گردد قابل بیان است همچنان که بومی بودن ابزار بومی نیز از وجوه قدرت است؛ زیرا مکانیسم مقابله و خرابکاری یا تحریم خود یا ابزار وابسته را کاهش می دهد.

۱.۹. انگیزه سازی

تلاش در جهت افزایش آمادگی در زمان غیر جنگ این تلقی را برای عموم جامعه به همراه دارد که صرف هزینه بی مورد است، در حالی که قرآن با بیان بازگشت این صرف هزینه آن را مانع

از بروز جنگ و تحمیل هزینه زیاد می‌داند؛ زیرا همه دشمنی‌ها و تدارک برای جنگ برای شما مشخص نیست و تنها راه جلوگیری‌کننده از این گونه دسیسه‌ها تقویت آمادگی در برابر دشمن و ترساندن آنهاست. برخی مفسرین جمله «ولا تظلمون» را جامع در دنیا و آخرت دانسته و بیان می‌کنند که منظور در قیامت مظلوم نمی‌شوید این است که حق شما کاملاً استیفا می‌شود و در دنیا هم مظلوم نمی‌شوید؛ چون کسی بر شما نمی‌تازد (جوادی آملی، ۳۲: ۳۴۳). اگرچه این مطلب درست است که اگر کسی پایبند به شریعت و دستورات الهی باشد در قیامت مورد ظلم واقع نمی‌شود؛ ولی آیه درصدد تبیین عدم ظلم اخروی نیست و کاملاً جنبه دنیوی را مورد ذکر قرار داده است؛ بنابراین آیه جامع در دو معنی عدم ظلم اقتصادی و سیاسی باشد به این معنی که اموال خرج شده در راه تقویت و آمادگی شما دارای ثمره است و خرج باطل نشده است و نباید بگویید که هنوز جنگی برپا نشده است و این مخارج برای کجاست، زیرا همین آمادگی و تهیه نیرو مانع از جنگ است.

۲. مقایسه نظریه بازدارندگی با آیه ۶۰ سوره انفال

مبانی، غایت و گستره سه جهت مورد پردازش در مقایسه آیه ۶۰ سوره انفال با نظریه بازدارندگی است.

۲.۱. سنجش نظریه بازدارندگی از جهت مبانی

سنجش مبانی نظریات روابط بین‌الملل رهنمودی بر سکولاریستی بودن این نظریات دارد، همچنان که اصل رویکردهای کلان لیبرالیستی در این نظریات مشهود است. بازدارندگی از جهت مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی با آموزه‌های اسلامی ناسازگار است. در نظریه بازدارندگی توجه به قدرت و سلطه در راستای تسلط بیشتر بر دشمن، بنا نهاده شده است؛ درحالی که در آیه ۶۰ سوره انفال تأکید بر دشمنی در راستای دشمنی با خداست، به این منظور آیه ۶۰ در یک منظومه جامع اسلامی مطرح می‌شود درعین حال نظریه بازدارندگی بنا بر اصالت دنیا و ایدئولوژی دنیامحور مطرح است که به استفاده ابزاری از هر چیزی که موجبات این سلطه را فراهم آورد منجر می‌شود؛ بنابراین تجاوز و چپاول و چیرگی بر دیگر افراد، به توجیه مقاصد مصلحت‌جویانه، مشروع می‌شود.

در رویکرد اسلامی بازدارندگی با مدیریتی همراه است که سبب رشد و فراگیری ارزش‌های اسلامی خواهد شد و نظارت آن فقط به جنبه دنیوی محدود نمی‌شود و ابعاد فرامادی و اخروی و الهی را به همراه داد، در صورتی که نظریات سکولاریستی با در نظر گرفتن جنبه فردگرایانه به دنبال مرکزیت انسان (اومانیزم) هستند. فقدان بهره‌مندی از علوم فرامادی و غیبی از دیگر مولفه‌های رویکرد سکولاریستی است به طوری که تمرکز فقط بر روش‌های پوزیتیویستی و شناخت تجربی در معرفت‌شناسی بنا می‌شود، بنابراین نمی‌توان منکر خلأهای معنوی و روانی نظریه بازدارندگی در مقایسه با آیه ۶۰ سوره انفال شد.

نوع نگاه انسان‌شناسی که در متون اسلامی موجود است، رویکرد بین‌المللی خاصی را ایجاد می‌کند و به سوی رشد و تعالی انسان‌ها در ساحت معنویت و آزادگی روحی انسان‌هاست، این در حالی است که عمده نظریات روابط بین‌الملل انسان را موجودی شرور، بدسرشت و فرصت‌طلب معنی نموده‌اند و در صدد کنترل و مدیریت فتنه‌های انسانی، دست به تولید ابزار سلطه نموده‌اند (حلبی، ۱۳۷۱: ۱۵۰)؛ بنابراین انسان‌شناسی در این نظریات به بردگی انسان ختم می‌شود و در رویکرد اسلامی به بندگی خدا رهنمود دارد.

۲.۲. سنجش نظریه بازدارندگی از منظر غایت

غایت اسلامی روابط بین‌الملل برقراری سعادت انسان در پرتو نظام توحیدی است، تحقق صلح پایداری زمانی امکان‌پذیر است که عدالت در سطح وسیعی برقرار باشد تا انگیزه‌ای برای سلطه‌گری دیگران موجود نباشد و تحقق این امر فقط در سایه تحقق هنجارهای اسلامی مانند نفی برتری‌جویی، نفی ظلم صورت می‌گیرد؛ ولی در نظریه بازدارندگی قدرت‌یابی برای مدیریت آناارشی است و شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی در جهت دستیابی نرم سلطه‌گران بر دیگر ملت‌هاست و جایی برای کرامت و آزادگی باقی نخواهد ماند.

تفاوت در غایت مهم‌ترین تفاوت بازدارندگی در نظریه اسلام و تمدن غرب است؛ زیرا حرکت به سوی امنیت به وسیله ابزارهای غیرهسته‌ای بعد از بروز و ظهور ناکارآمدی سلاح اتمی مطرح در نظریات غربی مطرح است (تهذیبی و سیمیر، ۱۳۹۹: ۲۹۵)؛ اما تفاوت اصلی که در بازدارندگی اسلامی مورد نظر است پیدا نمودن غایت بازدارندگی است، بازدارندگی تمدن غرب

بر پایه ایجاد ترس برای تسلط بیشتر و اجرای برنامه‌های استعماری است، این شرایطی است که ماهیت بازدارندگی در اسلام به عنوان اجرای عدالت و دفع دشمن و صلح پایدار است، زیرا اساساً فلسفه نبوت پاسخ جامع به نیازهای واقعی انسان و جلوگیری از استعمار و استثمار دیگران است (طاهرزاده، ۱۳۹۱: ۲۲). تمدن غرب با بنانهادن قوانین و نظریات درصدد کنترل، سودجویی و بهره‌کشی از دیگران است در نتیجه به جای انسان پیشرفته به سوی ابزار پیشرفته حرکت می‌کند و می‌خواهد انسان‌ها مرعوب تکنولوژی‌های نوین شده و از اراده و عزم مقابله بازمانند در حالی که در نظریه بازدارندگی اسلامی بنا دفاع و حصول امنیت برای جلوگیری از بروز حمله و تحقق آرامش برای رشد و تکامل حرکت جامعه اسلامی به سوی خداست.

۲,۳. سنجش نظریه بازدارندگی از منظر گستره

در مورد گستره می‌توان گفت که آیه عمومیت و مصادیق بیشتری را نسبت به نظریه بازدارندگی دارد، آیه ۶۰ سوره انفال تمام آن چیزی که نظریه بازدارندگی بیان می‌کند را داراست و تطبیق آیه بر این نظریه از سوی اندیشمندان متعددی صورت گرفته است، مقام معظم رهبری در تفسیر آیه مذکور بیان می‌کنند که در ادبیات سیاسی از آیه به عنوان، قدرت بازدارندگی تعبیر می‌شود (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۶/۰۲/۲۰).

نظریه بازدارندگی همان گونه که در بخش اول گذشت دارای سازوکار مشخص در استفاده از سلاح مخصوصاً استفاده از کلاهک‌های هسته‌ای (خسارت غیرقابل تحمل) در روابط بین‌المللی است، و با اعلام تهدید در صورت اقدام جنگجویانه، بازدارندگی برای خود در قبال تمامی رقبا و اعتباربخشی به تهدیدات را به ارمغان می‌آورند. البته گاهی بازدارندگی بهانه‌ای برای تجاوز شده است. افول و تغییر نظریه بازدارندگی از سطح نظامی به سایر عرصه‌ها دارای دلالت‌های واضحی در ناکارآمدی بخش مهمی از این نظریه است. امروزه بهترین سازوکار برای پیشگیری از جنگ پیوندزدن امنیت خود با دیگران است، گسترده نمودن ابعاد جنگ با درگیری کشورهای متحد نیز می‌تواند عامل مهمی در پیشگیری از جنگ باشد.

عمومیت آیه در مسئله قدرت می‌تواند لزوم ارتقای دولت اسلامی را در عرصه‌های مختلف در برابر دشمن فراهم آورد. از مهم‌ترین این مسائل توجه به راهبردهای ژئوکالچری

(چارچوب‌های تمدنی) و ژئوپلیتیک (چارچوب‌های جغرافیایی) و ژئواکونومیکی (چارچوب‌های اقتصاد جهانی) است.

اگر مهم‌ترین وجهه قدرت در روابط بین‌الملل وجهه قدرت نرم باشد با برخورداری دولت اسلامی از جهان‌بینی متافیزیکی ظرفیت بسیار مناسبی برای بروز این نوع بازدارندگی در عرصه بین‌المللی دارد. راهبردهای تمدنی برای دولت اسلامی مهم‌ترین بازدارندگی را برای دشمن فراهم می‌کند؛ زیرا توجه به ابعاد انسانی و فطری در نوع بشر دارای جذابیت‌هایی است که سبب خواهد شد اعماق دل و اعتقاد افراد به‌سوی آن جلب شود و در نتیجه امکان سلطه را برای دشمن از بین می‌برد. دشمنان اسلام به دنبال استعمار و استثمار دیگر کشورها هستند و با بهانه‌جویی به این کار اقدام می‌کنند؛ تنها چیزی که با زور و قدرت مادی قابل استعمار نیست قلب و فکر است در نتیجه تقویت روحیه سلطه‌ناپذیری می‌تواند برای جهانیان به‌عنوان یک الگو رفتاری در مقابل دشمنان مطرح شود و مانع جدی از ورود دشمنان را فراهم نماید. عرصه آینده روابط بین‌الملل برای کسانی خواهد بود که جهانیان از لحاظ انگیزه و اعتقاد همراه او باشند، بنابراین این مهم‌ترین وجه ترس را برای دشمن فراهم خواهد آورد که در صورت مخالفت و ایجاد زمینه‌های عدم سلطه نمی‌توانند آینده روابط بین‌الملل را مدیریت نمایند.

توجه به مسئله امنیت نرم نیز در چارچوب‌های امنیت نظام سیاسی بازخوانی می‌شود به‌طوری‌که برخی قدرت نرم را بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین زیرساخت امنیت همه‌جانبه یک نظام سیاسی می‌دانند (عزین آبادی، ۱۳۹۷: ۱۸۹) و فرهنگی کردن امنیت جهانی در این چارچوب به عنوان شکل و ماهیت جدید امنیت، قابل توجه است و می‌توان با تأثیر هنجاری بر دیگران است.

نتیجه‌گیری

نظریه بازدارندگی در فضای سلاح هسته‌ای تولید و بر اساس دکترین اعتبار و اقناع حریف از ناتوانی در پاسخ، رشد نمود. بررسی مقایسه نظریه بازدارندگی با آیه ۶۰ سوره انفال به این مهم منتج شد که این نظریه از سه جهت مبانی، غایت و گسترده با آیه متفاوت است. دلالت‌های آیه به قدرت یافتن جامع به‌منظور ترساندن دشمن از جهت حمله و تجاوز است. رویارویی از دریچه قدرت می‌تواند ارمغانی از پیشگیری یا پیش‌دستی را در مواجهه با دشمنان را

ظاهر نماید. نیروی انسانی به‌عنوان عامل اصلی و همگانی در آیه شریفه مورد توجه است. همگانی بودن و عمومیت قدرت توانست این عرصه را برای مواجهه در همه عرصه‌ها برای مسلمانان فراهم نماید. همچنان که فناوری در تجهیزات باید با مقتضیات روز دارای سرعت عمل و کارآمدی باشد. توجه به دشمنی در راستای امر الهی این ذهنیت را از مسلمانان به‌دور می‌ساخت که آنها به دنبال کشورگشایی و استیلای سیاسی هستند.

ترس دشمن شاخص مهمی در آیه مورد توجه قرار گرفته است که می‌توان میزان را مورد تغییر قرار دهد به‌طوری که مواجهه تمدنی و فرهنگی گاهی دارای قدرت بیشتری در ترساندن دشمن است؛ در نتیجه اگرچه نظریه بازدارندگی در قرن ۲۱ جهت‌گیری خویش را از ابعاد نظامی به سایر عرصه‌های تغییر داده است؛ ولی ماهیتاً نمی‌تواند منکر عقبه نظامی خویش با سلاح‌های کشتار جمعی شود این مسئله در حالی است که قرآن با بیان شاخص ترس دشمن از ابتدا توانسته بود بدون اختصاص به عرصه نظامی و انتظامی، قدرت جامع را به‌عنوان یک مؤلفه اصلی بیان نماید.

پیشنهاده‌ها

در راستای تکمیل تحقیقات در موضوع بازدارندگی در منابع اسلامی و تطبیق یافته‌های نظری با رویکردهای عملی می‌توان دو قسم پیشنهادها را بیان نمود. دسته اول پیشنهادها مربوط به نتایج حاصل از پژوهش حاضر است که در صدد ایجاد شبکه جامع بازدارندگی با سایر عناصر دفاعی - امنیتی در حوزه داخلی و خارجی می‌باشد:

۱. افزایش سطح توانایی‌های سیاسی - عقیدتی در جهت انسجام ملی - دینی به انگیزه بازدارندگی فکری و جلوگیری از نفوذ و انفعال در مقابل دشمنان؛
۲. احیاء روحیه عزت و احترام در ملت‌ها و تقویت اقتدار دولت‌ها در مبارزه با سیاستمداران و کشورهای سلطه‌گر در جهت بازدارندگی روانی؛
۳. اعلام و اشعار به عدم تأثیرگذاری توان هسته‌ای دشمنان در تغییر رویکرد کلان سیاست‌های دولت اسلامی در جهت بازدارندگی سیاسی؛

۴. اقناع عمومی کشورهای دارای لاح هسته‌ای نسبت به آسیب‌پذیری و ضدامنیتی بودن سلاح اتمی و افزایش هزینه‌های نگه‌داری از سلاح هسته‌ای در جهت کاهش باورپذیری بازدارندگی سلاح هسته‌ای؛
 ۵. ایجاد شبکه جامع پیمان‌ها و ائتلاف‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی با دیگر دولت‌ها غیرمتخاصم در جهت بازدارندگی غیرنظامی؛
 ۶. ارتقا و گسترش تکنولوژی نظامی برای ایجاد بازدارندگی ابزار نظامی؛
 ۷. فراگیر نمودن آمادگی‌های نظامی از سطح نیروهای مسلح به عموم جامعه در جهت افزایش نیروی آماده و ایجاد بازدارندگی نیروی نظامی؛
 ۸. اشراف اطلاعاتی و ارزیابی جامع نسبت به توان، آسیب‌ها، منافع و هزینه‌های دشمن در کلیه اقدامات در جهت بازدارندگی اطلاعاتی؛
 ۹. وابسته‌سازی اقتصاد جهانی به موقعیت سیاسی جغرافیایی مرکزی و تابع در جهت بازدارندگی جغرافیایی.
- دسته دوم پیشنهادها مربوط به تکمیل نظری مسئله بازدارندگی در اسلام است که تحقیقاتی آتی عهده‌دار تبیین آن با رویکرد اسلامی است. بخشی مهمی از این پژوهش‌ها منوط به برخورداری از روش فقهی برای استنباط و استناد صحیح به اسلام هستند. پیشنهاد موضوعات و عناوین ذیل براین اساس تنظیم شده است:
۱. ضرورت خلع و فقدان سلاح هسته‌ای در سیاست‌های جهان از منظر فقه سیاسی؛
 ۲. کارآمدی و تأثیر بازدارندگی غیرنظامی در نظام بین‌الملل (مطالعه موردی گروه‌های مقاومت اسلامی)؛
 ۳. مقایسه چالش‌های امنیتی بازدارندگی غیرهسته‌ای با بازدارندگی هسته‌ای؛
 ۴. واکاوی راهبرهای فقهی برای ایجاد امنیت جامع در جهان اسلام (مطالعه موردی مدل امت واحده)؛
 ۵. سنجش میزان تأثیر انواع بازدارندگی در تغییرات جغرافیای سیاسی غرب آسیا.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- آخوند خراسانی محمدکاظم (۱۴۰۹)، کفایه الاصول، قم: آل‌البیت.
- بوفر آندره (۱۳۶۶)، مقدمه‌ای بر استراتژی، مترجم: مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- بهرام‌پور ابوالفضل (۱۳۷۸)، تفسیر قرآن، تهران: مشعر.
- تقی‌زاده علی‌اکبری (۱۳۸۷)، جهاد در آیین قرآن، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- تهذیبی خادم علی و سیمیر رضا (۱۳۹۹)، تدوین سناریوهای آینده صلح و امنیت نظام بین‌الملل معاصر با تأکید بر مؤلفه‌های امنیت جامع، تهران: فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل شماره ۳۹.
- جوادی آملی عبدالله (۱۳۷۹)، تسنیم تفسیر قرآن کریم جلد ۵ تنظیم: احمد قدسی، ویرایش: علی اسلامی، قم: انتشارات اسراء
- حلبی علی‌اصغر (۱۳۷۱)، انسان در اسلام و مکاتب غرب، تهران: اساطیر.
- حلی مقداد بن عبدالله سیوری (۱۳۷۳)، کنز العرفان فی فقه القرآن، مترجم: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم: قدس.
- حویزی عبدعلی‌بن‌جمعه (۱۳۸۳)، تفسیر نورالثقلین، ویراستار: سیدهاشم سولی‌محلاتی، قم: اسماعیلیان.
- دویچ کارل (۱۳۷۵)، نظریه‌های روابط بین‌الملل ج ۲، همکاران: رابرت کیوهین و جوزف نای، ترجمه: وحید بزرگی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دهخدا علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه ج ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- سبحانی جعفر تبریزی (۱۳۷۲)، الاعتصام بالکتاب و السنة، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- شهید صدر محمد باقر (۱۳۷۴)، اقتصادنا، تحقیق: عبدالحکیم ضیاء و علی‌اکبر ناجی و سید محمد حسینی و صابر اکبری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طاهرزاده اصغر (۱۳۹۱)، مبانی نظری نبوت و امامت، اصفهان: لب‌المیزان.
- طباطبایی محمدحسین (۱۳۷۱)، المیزان فی تفسیر القرآن ج ۹، قم: اسماعیلیان.
- (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن ج ۱، قم: اسماعیلیان.
- عباسی رضوانه (۱۴۰۰)، دامنه‌های جنگ جدید و بحران تئوری بازدارندگی، آمریکا: آکسفورد.
- عزین آبادی روح اله ملکی (۱۳۹۷)، محسن اسلامی، تحول مفهوم بازدارندگی در پرتو برجستگی امور معنایی در روابط بین‌الملل، تهران: مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۹.
- علیدوست ابوالقاسم (۱۳۹۸)، ممنوعیت فقهی استفاده از سلاح هسته‌ای در شرایط اضطرار جنگی، احمد احسانی فر، حقوق اسلامی سال شانزدهم تابستان شماره ۶۱.
- عمید حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی، تهران: راه رشد.

- فریدمن لارنس (۱۳۸۹)، بازدارندگی، تنظیم: عسگر قهرمان‌پور بناب، مترجم: روح‌الله طالبی آرمانی، تهران: پژوهشکده راهبردی.
- قاسمی فرهاد (۱۴۰۰)، الزامات نظری بازدارندگی در سیستم‌های بین‌المللی پیچیده - آشوبی: گامی به سوی نظریه نوین بازدارندگی غیرخطی، تهران: پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۰.
- قرائتی محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قلجی حسین (۱۳۸۵)، تهدیدات نامتقارن و تحول در سیاست بازدارندگی اسرائیل، تهران: مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا.
- (۱۳۸۸)، تهدیدات نامتقارن و تحول در سیاست بازدارندگی اسرائیل، تهران: سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها.
- قمی عباس (۱۳۹۵)، فرهنگ واژگان قرآنی، محقق: غلامحسین انصاری، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
- لیمونی سعید داوودی و علیرضا لیمونی داوودی (۱۳۹۴)، ضرورت فقهی طرح منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای: ممنوعیت سلاح هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل و اسلام، تهران: پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب.
- مبلغ محمدمین (۱۳۹۸)، استراتژی بازدارندگی نرم در تأمین امنیت ملی از منظر فقه سیاسی و آموزه‌های اسلامی، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- مشیرزاده حمیرا (۱۳۸۰)، طرح دفاع ملی موشکی آمریکا، تهران: فصلنامه‌ی سیاست خارجی، شماره ۱۵.
- مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- هوشیار رزم‌آزما (۱۳۷۰)، فرهنگ روان‌شناسی انگلیسی - فرانسه - فارسی، تهران: علمی.

